

دیدگاه اسلام درباره حرص و طمع کاری

اگر تمام جهان و هرچه در آن است را به طامعان بدهند، هرگز عطششان فرو نمی‌نشیند و هیچگاه سیر و قانع نمی‌شوند و باز هم در جستجو و تکاپوی بدست آوردن چیزهای دیگر و بیشتر و بزرگتر هستند.



خبرگزاری مهر- اگر تمام جهان و هرچه در آن است را به طامعان بدهند، هرگز عطششان فرو نمی‌نشیند و هیچگاه سیر و قانع نمی‌شوند و باز هم در جستجو و تکاپوی بدست آوردن چیزهای دیگر و بیشتر و بزرگتر هستند. در ابتدا باید نگاهی به معنی و مفهوم لغوی واژه "حرص و طمع" داشت. "حرص و طمع" عبارت است از توقع بی‌جا و اشتیاق بی حد و حصر داشتن، آزمندی، زیاده‌خواهی و افزون طلبی، بسیار خواستن، در پی آرزوهای طویل و دست نیافتنی و نامناسب بودن، انتظار ناپسند و بی مورد و خواسته‌های ناحق و روحیه سیری ناپذیر داشتن، از روی هوا و هوس و شهوت و طغیان دنبال چیزی رفتن و دل بستن بیهوده به آن، تمایل ناصحیح و رغبت شدید و علاقه نابجا و مفرط نشان دادن خصوصاً به اموال، مادیات، متاع‌های دنیوی و سرمایه‌های عمومی و بیت المال و تجاوز به حقوق و اموال دیگران، مال و ثروت اندوزی و نیز به معنای مقام پرستی، ریاست طلبی و میل و هواپرستی و شهوت گرایی و مادیگری آمده است.

حرص و طمع ورزی با تعریف و توصیف فوق از دیدگاه دین اسلام، دو خصیصه زشت و حالت نفسانیه قبیح و فساد آور و ضد ارزش‌های قرآنی و اسلامی هستند، چنانکه ضد ارزش‌های اخلاقی و انسانی نیز است که در روایات اسلامی و تعالیم دینی و اصول اخلاقی اسلام، این دو صفت ناپسند، به سختی محکوم و مذمت و نکوهش شده و عواقب ناخوشایند و خطرناک و نتایج تلخ و زیانبار آن گوشزد و بیان گردیده است.

طمع‌ورزی یا توقعات بی‌جا

دامنه توقعات، طمع‌کاری‌ها، افزون طلبی‌ها، چشم داشت‌ها و خواسته‌های گوناگون و ناپسند بشر، بسیار وسیع و فوق العاده فراوان است و روحیه پرنیاز، سیری ناپذیر و اشباع نشدنی در انسان‌ها همیشه وجود داشته و دائماً احساس می‌شود، با وجود اینکه خداوند کریم، نعمت‌های گوناگون و بسیار فراوانی به همه آدمیان داده و مواهب و سرمایه‌های زیادی در اختیار آنان گذاشته و به جای اینکه او را تعظیم و ستایش کنند و شکر و سپاس گویند و تسلیم و مطیع و قانع باشند، بازهم افزون طلبی می‌کنند و توقع و طمع و حرص اضافی دارند که تا به هر وسیله‌ای شده بر دارائی‌ها و اموال و نعمت‌های شان بیفزایند و این (توقعات بی‌جا و طمع ورزی) روحیه سیری ناپذیری همه انسان‌ها به ویژه دنیا پرستان، مسرفین و شهوت پرستان است، مگر انسان‌هایی که ایمان و صبر قوی دارند و راضی و قناعت کار و پرهیزکارند و راه عزت آفرین زهد و قناعت را در زندگی پیشه کنند.

بر این اساس، می‌توان گفت، که اکثر انسان‌ها موجودی "طماع" و حریص و متوقع هستند و به حق و سهم خود قناعت نمی‌کنند، ضمن اینکه این افراد از نظر الهی و دینی و اجتماعی و وجدانی، منفور و محقر و پست و خوار هستند هیچگاه با دارا بودن این صفت ناپسند طمع‌کاری و حرص ورزی، راضی و بی‌نیاز و سیر نمی‌شوند. چنانکه سعدی شیرازی در گلستان گفته: "حریص با جهانی گرسنه است و قانع با نانی سیر".

بنابراین چه بسا افرادی هستند که حتی به نان شب خود محتاج هستند ولی چشم طمع به مال مردم یا اموال دنیا ندارند، چون قانع و راضی و پرهیزکار هستند و بسا اشخاص ثروتمند و توانگر و غنی و متمکن، که دائماً حرص و طمع و توقع زیادی دارند و چشم طمع به مال دنیا و اموال دیگران دوختند.

بنابراین، باید به این نکته مهم توجه کرد که اگر انسان‌ها با داشتن این روحیه ناشایست و ناسالم و هلاک کننده، خودشان را کنترل و اصلاح و قانع نکنند، آنقدر حرص و طمع می‌ورزند و دامنه توقعات بی‌جا و افزون طلبی‌ها سیری ناپذیرشان بی حساب و کتاب و بی حد و حصر و بدون معیار و اندازه، بالا می‌رود و رشد و فزونی پیدا می‌کند، که اگر تمام جهان و هرچه در آن است را به آنان بدهند، هرگز عطششان فرو نمی‌نشیند و هیچگاه سیر و قانع نمی‌شوند و باز هم در جستجو و تکاپوی بدست آوردن چیزهای دیگر و بیشتر و بزرگتر هستند و با تلاش‌های بیهوده دنبال خواستن‌ها و تمناها و توقعات هستند و به قولی: "اگر هفت اقلیم را زیر نگیں آنها قرار دهند باز هم در بند اقلیمی دیگر هستند".